

راهبردهای توسعه صادرات در شرایط ارزی موجود

امیر حسین پور حسینی، پژوهشگر موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

ایران

تولید و صادرات نقش مهمی در هر نظام اقتصادی ایفا می‌کند. بسیاری از کشورهای پیشرفته به لحاظ اقتصادی و صنعتی، می‌کوشند که خود را در حوزه ای از صادرات که در آن دارای مزیت نسبی یا مزیت رقابتی هستند، تقویت نمایند. یکی از مسایل مهم اقتصادی که امروزه بسیاری از کشورها، از جمله کشورهای در حال توسعه با آن دست به گریبان هستند وجود کسری در تراز پرداخت های خارجی و کمبود ارز است که به عدم تعادل ارزی، کاهش ارزش پول ملی و خروج سرمایه از کشور منجر می‌گردد. گرچه راه های متعددی برای تامین کسری ارزی وجود دارد اما می‌توان گفت که اصولی ترین و مناسب ترین این روش ها، افزایش صادرات است که راه حلی اساسی و اقتصادی به شمار می‌رود.

پرسش بسیاری از تصمیم گیرندگان اقتصادی این است که چه راهبردهایی را می‌توان در عرصه صادرات بکار برد که بیشترین اثربخشی و کارایی را در صحنه عمل به همراه داشته باشد. در بحث راهبردهای توسعه صادرات دو استراتژی کلان جایگزینی واردات و توسعه صادرات مطرح می‌شود. الف - استراتژی جایگزینی واردات: در این استراتژی سعی می‌شود تولیدات داخلی، جایگزین واردات شود. این استراتژی ابتدا توسط کشورهای آمریکای لاتین بکار گرفته شد. طی دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی در کشورهایی همچون هندوستان، پاکستان، کره جنوبی، برزیل و مکزیک از این استراتژی جهت توسعه اقتصادی و صنعتی شدن استفاده شد.

مهمترین ویژگی های استراتژی جایگزینی واردات خوداتکایی کشور، ظهور صنایعی که کشور در آنها فاقد مزیت نسبی است، افزایش توانایی دولت در کنترل حجم واردات کشور و افزایش میزان نرخ حمایت موثر از صنایع می‌باشد.

ب - استراتژی توسعه صادرات : در این استراتژی، حرکت صنعتی شدن برای تولید کالاهایی است که کشور در تولید آنها داری مزیت نسبی است. این استراتژی برخلاف راهبرد جایگزینی واردات در جهت تقویت تجارت آزاد حرکت می نماید. کشورهای مانند مصر و چین از این استراتژی استفاده کرده اند .

مهمترین ویژگی های استراتژی توسعه صادرات کم رنگ شدن نقش دولت در اقتصاد، افزایش دسترسی مصرف کنندگان به محصولات ارزانتر، هدایت اقتصاد در جهت تولید و فروش محصولاتی که کشور در تولید آنها دارای مزیت نسبی است و افزایش کارایی بنگاه های داخلی بواسطه افزایش رقابت میان مصنوعات داخلی و مشابه خارجی است.

همچنین راهبرد یاد شده سبب می شود تا قیمت ها در سطوح پایین تری در مقایسه با استراتژی جایگزینی واردات قرار گیرد و با توجه به اینکه این راهبرد معمولاً همراه با آزاد سازی اقتصاد می باشد، در نتیجه امکان جذب سرمایه خارجی در هنگام اعمال این استراتژی نسبت به زمانی که استراتژی جایگزینی واردات اعمال می شود، بیشتر می شود.

در این راستا می توان گفت استراتژی توسعه صادرات بر استراتژی جایگزینی واردات در توسعه اقتصادی کشور ارجعیت دارد. البته نمی توان حکم کلی صادر کرد و باید سایر عوامل و شرایط را نیز در نظر گرفت. بنابراین به نظر می رسد سیاستگذاران اقتصادی بهتر است اتخاذ این استراتژی را در افزایش و بهبود صادرات کشور مدنظر قرار دهند.

تاثیر نرخ ارز بر صادرات

صادرات و واردات دو جزء موثر بر تراز پرداختها هستند که از سیاست نرخ ارز تاثیر می پذیرند. مدیریت نرخ ارز در اقتصاد ایران همواره یکی از چالش های عمده سیاستگذاران اقتصاد کشور بوده و در همه دوره ها در محافل دانشگاهی و سیاستگذاری اقتصاد ایران، مباحث چالش برانگیزی حول نحوه تعیین نرخ ارز در جریان بوده است. تعیین نرخ ارز از یک طرف نقش مؤثری در صادرات و واردات و به تبع آن تنظیم و تعدیل تراز تجاری و تراز پرداخت های کشور دارد و از طرف دیگر، نقش مؤثری در تعیین قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی در برابر رقبای خارجی در بازارهای داخلی و خارجی و به تبع آن تعیین میزان تولید و اشتغال برخوردار است. تعیین نرخ ارز همچنین می تواند بر سطح عمومی قیمت ها و به تبع آن تورم نیز مؤثر باشد. بنابراین با توجه به پیامدهای گسترده تغییر

نرخ ارز برای عملکرد اقتصاد ایران، مدیریت نرخ ارز اهمیت بسیار بالایی دارد. این امر در شرایط فعلی اقتصاد کشور و به خصوص پس از اجرای طرح هدفمندکردن یارانه ها، اهمیت بیشتری نیز یافته است.

مسأله مهمی که اکنون سیاستگذاران اقتصاد ایران در مورد مدیریت نرخ ارز با آن مواجه اند، این است که نرخ ارز باید در چه مسیری هدایت شود؟ تغییر نرخ ارز از طریق تغییر صادرات و واردات بر تراز تجاری کشور تأثیرگذار است. تغییر نرخ واقعی ارز، قدرت رقابتی صادرکنندگان در برابر رقبای خارجی در بازارهای بین المللی را تغییر می دهد. افزایش نرخ واقعی ارز، قیمت کالاها و خدمات صادراتی تولیدکنندگان داخلی را نسبت به قیمت های جهانی کاهش داده و در نتیجه بر قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی در بازارهای جهانی می افزاید و در نهایت منجر به افزایش صادرات کشور خواهد شد. در مقابل، کاهش نرخ واقعی ارز از مسیر کاهش قدرت رقابتی صادرکنندگان در برابر رقبای خارجی، به کاهش صادرات کشور می انجامد.

از طرف دیگر افزایش نرخ واقعی ارز، قیمت کالاها و خدمات وارداتی را افزایش داده و در نتیجه منجر به کاهش واردات کشور خواهد شد، در حالیکه کاهش نرخ واقعی ارز، به افزایش واردات کشور می انجامد. بنابراین در مجموع، افزایش نرخ واقعی ارز از طریق افزایش صادرات و کاهش واردات، به بهبود تراز تجاری کشور می انجامد و در مقابل، کاهش نرخ واقعی ارز به تضعیف تراز تجاری منجر خواهد شد. برای نمونه، گسترش سریع واردات در مقابل صادرات (غیرنفتی) و تضعیف تراز تجاری (غیرنفتی) در دهه هشتاد، نشانه آشکاری از اثر کاهش نرخ واقعی ارز بر تراز تجاری کشور در این دهه می باشد.

در حال حاضر آمارها حکایت از آن دارد که با وجود تحریم های اقتصادی و بانکی غرب علیه کشورمان ، اما صادرات روند رو به رشدی داشته و از طرف دیگر کاهش صادرات گازی و نفت که بدلیل تحریم ها و بحران های اقتصادی جهانی رخ داده ، نقش و جایگاه صادرات غیرنفتی را بیش از گذشته مهمتر کرده است.

در واقع می توان گفت یکی از عوامل تاثیرگذار در افزایش صادرات افزایش نرخ ارز بوده است. در ضمن باید اشاره شود که برخی از تولید کنندگان و صادرکنندگان هم معتقد هستند اگر نرخ ارز در

مسیر درستی هدایت شود، رقابت پذیری محصولات داخلی را برای تولید و صادرات افزایش خواهد داد.